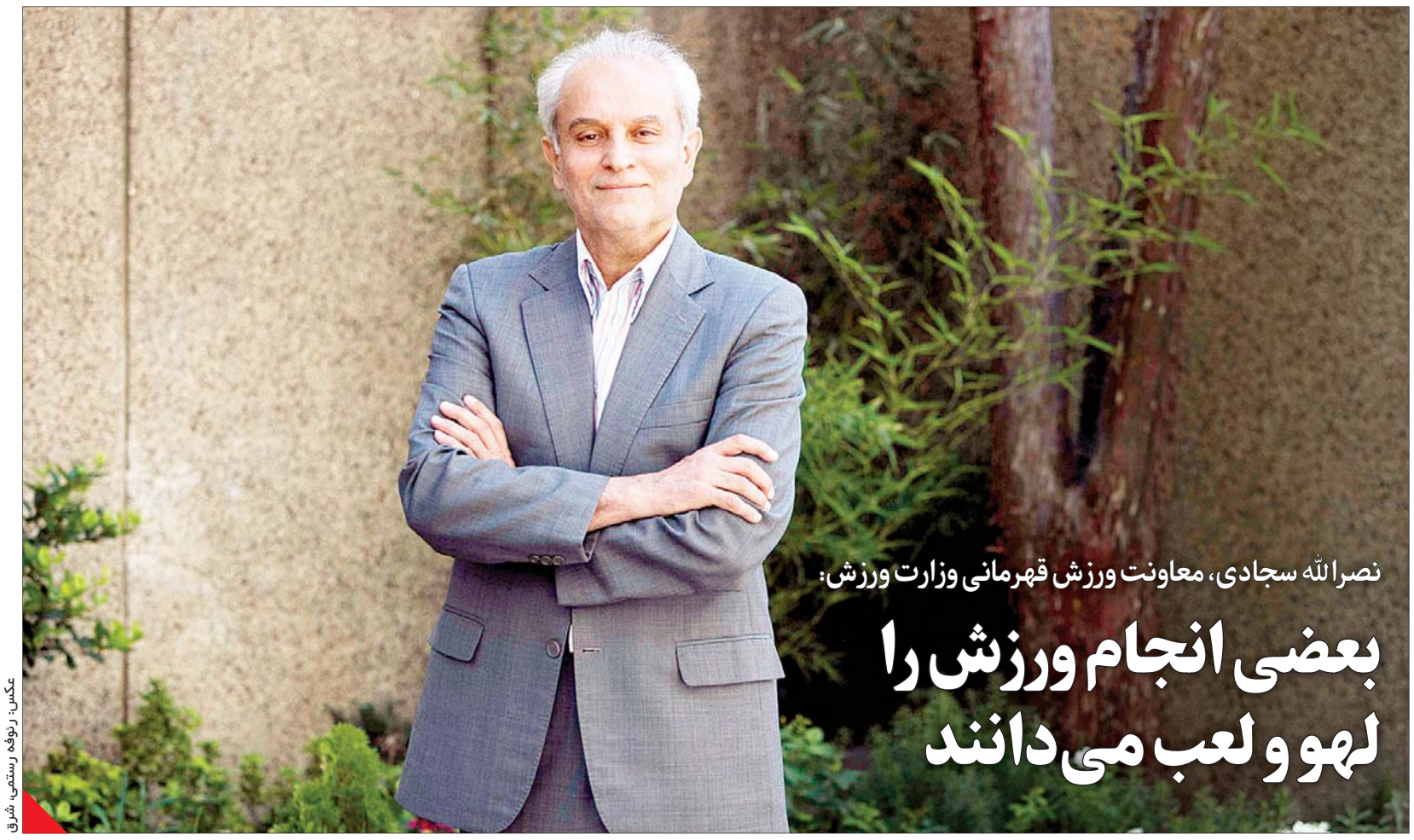
روزنامه شرق

ورزش

کنسرت‌هایم با شرح همراه است؛ گفت‌وگو با مجید کیانی صفحه ۱۰

حیاط مرکزی، الگوی ازلی معماری ما؛ گفت‌وگو با فریار جواهریان صفحه ۱۱

کالبدشکافی بدن در حال احتضار؛ مقدمه‌ای در نقد آموزش معماری صفحه ۱۲



عکس: رنوفه رستمی، شرق

نصرالله سجادی، معاونت ورزش قهرمانی وزارت ورزش:

بعضی انجام ورزش را لهو و لعب می‌دانند

سارا گودرزی: نصرالله سجادی جزء معدود مدیران ورزش ایران بوده که به‌واسطه سابقه طولانی‌اش در عرصه مدیریتی لقب «مرد تکرارناپذیر ورزش ایران» را به خود داده است. سرپرستی کاروان‌های جمهوری اسلامی ایران در شش دوره بازی‌های المپیک تابستانی (المپیک ۱۹۸۸ سئول، ۱۹۹۶ آتلانتا، ۲۰۰۴ آتن و ۲۰۰۸ پکن) و پنج دوره المپیک آسیایی، قائم‌مقام سازمان تربیت‌بدنی سابق، ریاست فدراسیون فوتبال، عضویت در شورای المپیک آسیا، معاونت تربیت‌بدنی وزارت آموزش‌وپرورش، خزانه‌دار و دبیرکل کمیته ملی المپیک، دانشیار فعلی دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و... او را به الگویی علمی- اجرائی در بین اهالی جامعه ورزش کشور تبدیل کرده است. خیلی‌ها حتی سجادی را مرد المپیک‌ها نیز هم می‌نامند چراکه او در دوران جوانی به‌صورت داوطلب در بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران بخشی از فعالیت‌های این رویداد مهم را به دوش کشیده است. مرد آرام و بی‌حاشیه ورزش در دولت یازدهم یکی از گزینه‌های اصلی دکتر روحانی برای تصدی وزارت ورزش و جوانان بود که مجلسی‌ها به او رأی اعتماد ندادند اما با وجود این مانده تا در کنار محمود گودرزی، وزیر فعلی ورزش مهم‌ترین معاونت این وزارتخانه، یعنی معاونت قهرمانی را اداره کند. گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» را پس از دو سال حضور سجادی در وزارت ورزش می‌خوانید.

نزدیک به دو سال است که معاونت قهرمانی وزارت ورزش و جوانان را برعهده دارید. مهم‌ترین اقداماتی که این معاونت در این مدت انجام داده چه بوده است؟

ما از همان ابتدا که کار را شروع کردیم، چند موضوع را به‌عنوان راهبرد کارمان انتخاب کردیم. اول، بحث ساماندهی فدراسیون‌ها بود. دوم، برنامه‌ریزی و سازماندهی و نظارت بر اجرای برنامه و درنهایت ارزیابی از این فدراسیون‌ها بود. مسئله سوم محور استعدادیابی بود که خیلی روی آن تاکید داشتیم. تا پیش از این ۸، ۹ فدراسیون بیشتر نداشتیم که کار استعدادیابی را انجام می‌دادند اما امروز ۲۷ فدراسیون ملزم به انجام این کار شدند. مراکز ورزش قهرمانی را در استان‌ها تجهیز کردیم و با تدوین دستورالعمل‌های نحوه راهبری آنها کارمان را به‌صورت هماهنگ آغاز کردیم. امسال بودجه خوبی به این مراکز اختصاص دادیم. موضوع چهارم این بود که فدراسیون‌ها خودشان را بشناسند. به عبارت واضح‌تر بفهمند چقدر ارزش دارند؛ مثلا اینکه سعی نکنند صرفا به بودجه دولتی وابسته باشند. خودشان هم برای تأمین اعتبار فدراسیونشان از منابع غیردولتی تلاش کنند. موضوع پنجم، حضور فدراسیون‌ها در مسابقات رسمی، قاره‌ای و جهانی بوده. اینکه دقت کنیم یک حضور کیفی در این رقابت‌ها داشته باشیم. سعی کنیم اگر اردو یا دیدار تدارکاتی برای تیم‌ها می‌گذاریم با هدف باشد که بتوانیم نتیجه کیفی‌تری بگیریم. این در حالی بود که همزمان با آمدن ما به این وزارتخانه، بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون کره‌جنوبی در پیش بود و فاصله بسیار کمی تا این بازی‌ها داشتیم و باید خیلی زود دست‌به‌کار می‌شدیم. اگرچه برای آماده‌سازی در چنین رویدادی به‌نظر من حداقل چهار سال زمان نیاز است اما با وجود دراختیارداشتن زمان کوتاه کار را قابل قبول جلو بردیم. کما اینکه از شروع کار این موضوع را به فدراسیون‌ها گوشزد کردیم، برخی از آنها دارند کارهایی را برای بازی‌های آسیایی دوره بعد (۲۰۱۸) انجام می‌دهند. در بحث ساماندهی فدراسیون‌ها زیربخش‌هایی وجود دارد که خیلی مورد نظر ما بود. اعم از امور اجرائی که خود فدراسیون‌ها آنها را انجام می‌دهند؛ مثل تشکیل اردو، اعزام، نحوه اعزام که به اینها خیلی توجه کردیم. شما حتما در گذشته دیدید که بازیکن یک تیم‌ملی به دلایل مختلف از سفر به بعضی از رویدادهای برون‌مرزی جامی‌ماند یا ویزایش نمی‌رسید. ما آمدیم و اینها را به حداقل رساندیم. امروز می‌توانیم بگوییم شما دیگر چنین مواردی را مشاهده نمی‌کنید. مثلا اینکه یک تیم به خاطر بازیکنش از اعزام برون‌مرزی جابماند. مگر اینکه کشوری نخواهد به ما ویزا بدهد که این یک بحث جداست. اگر ما داریم هزینه می‌کنیم، دو، سه ماه تیمی را آماده کنیم که در یک مسابقه رسمی شرکت کند، اگر لحظه آخرش را نتوانیم خوب ببینیم انگار همه این پول‌ها را دور ریخته‌ایم.

به‌هرحال شما ۱۰ دوره رئیس کاروان ایران در بازی‌های المپیک و آسیایی بودید. این تجربه بزرگ شما یعنی ۳۶ سال، که خیلی توانسته تأثیرگذار باشد که گره‌های دقیقه ۹۰ را باز کنید.

البته یک مقدار تجربیات من بوده، خود فدراسیون‌ها هم در این زمینه کمک کردند. فدراسیون‌ها افراد باتجربه کم ندارند شاید یک مقدار کم‌توجهی به این مسائل وجود دارد که در برخی موارد مشکلاتی به وجود آمده است. موضوع بعدی برگزاری کیفی اردوها بود. ما در ۲۰ ماه گذشته ۳۲هزار نفر اعم از مربی، سرپرست و ورزشکار را به مسابقات و اردوهای برون‌مرزی اعزام کردیم. شاید بعضی‌ها بگویند این ۳۲ هزار تا رقمی نیست. اما این رقم با کسی که می‌خواهد گردشگر ببرد، فرق دارد. پشت این تعداد نفر، کار زیادی صورت گرفته تا اعزام‌هایشان انجام شود. اینها همه به همکاری نزدیک بین فدراسیون‌ها و دفاتر معاونت توسعه قهرمانی برمی‌گردد و باید جلسات شورای برون‌مرزی را اضافه کرد که به‌طور منظم یک‌هفته درمیان جلسات آن تشکیل شده و در بعضی موارد هم اگر درخواست‌ها زیاد بوده، هفته‌ای یک‌بار هم جلسات تشکیل شده است. ما از فدراسیون‌ها سؤال‌جواب می‌کنیم. برای چه می‌خواهند به این سفر بروند، به چه دلیل می‌خواهند بروند، چه پیش‌بینی‌ای از عملکرد تیمی که می‌خواهند ببرند دارند. به فاصله ۱۰ روز بعد از اینکه از سفر برمی‌گردند فدراسیون‌ها باید به ما گزارش بدهند چه کار کردند. مقایسه نتیجه‌ای که به دست می‌آید با آن پیش‌بینی که کردند برای ما خیلی مهم است.

بعد از این روی بحث کنترل دوپینگ کار کردیم که ما روی آن خیلی حساس هستیم. بدون سروصدا هم کار کردیم و دلیلش این است که در دنیا هم این موضوع را خیلی باز نمی‌کنند. سیاست کلی وادا (آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ) هم همین است. ما هم که نادو (ستاد ملی مبارزه با دوپینگ) هستیم و معاونت قهرمانی وزارت ورزش مسئول این ستاد است ماهی یک بار جلسات را به صورت منظم تشکیل می‌دهیم. مثلا امسال تاکنون نزدیک به ۷۰۰ نمونه گرفته شده و مشخص است تا پایان سال چند نمونه می‌خواهیم بگیریم. چه آموزش‌هایی را می‌خواهیم بدهیم. فقط نمونه‌گیری نیست. آموزش برای ما مهم‌تر است. برای مربیان و ورزشکاران به صورت جداگانه نحوه نمونه‌دادن، مضرات استفاده از مکمل‌های آلوده و آشنایی با داروهای ممنوعه را آموزش می‌دهیم. در همین مسابقات جام‌جهانی کشتی اخیر که در تهران برگزار شد وادا نادو را به‌عنوان نماینده خودش انتخاب کرد و به ما این اختیار را داد به جای مأموران آنها، خودمان از شرکت‌کنندگان نمونه بگیریم. روی این موضوع که باید تعداد بیشتری نمونه دوپینگ از ورزشکاران بگیریم، دقیق کار کردیم. با وجود اینکه گرفتن این آزمایش‌ها هزینه زیادی را دربر دارد و آزمایشگاه‌های ما نمی‌توانند این نمونه‌ها را بررسی کنند اما عقب نشستیم. البته به نظر من دلیلی هم ندارد ما آزمایشگاه اختصاصی برای این کار داشته باشیم. خیلی از کشورها هم ندارند. برای اینکه مثل یک سرمایه‌گذاری بزرگ است. نباید در آن ضرر بکنیم. اکنون در سال قبل از المپیک (۲۰۱۶ ریو) هستیم و تعداد نمونه‌گیری را بیشتر کردیم. حتی در تیم‌ملی دوومیدانی که به‌تازگی به رقابت‌های بین‌المللی جام کازانف اعزام شدند و سهمیه گرفتند، ما خودمان از ورزشکاران نمونه گرفتیم که یکی از آنها مثبت درآمد اما افسران وادا از آنها تست نگرفتند. ما از همه کسانی که برای کسب سهمیه به مسابقات اعزام می‌شوند حتما نمونه می‌گیریم. دلیل هم دارد. آنها باید بدانند دارند می‌روند سهمیه بگیرند. باید بدانند نباید از مواد ممنوعه استفاده کنند.

الان ما به‌خاطر همین ناآگاهی‌ها یکی از سهمیه‌های المپیکی که در دوومیدانی گرفتیم را از دست دادیم. این برای ما ضرر است پس باید جلویش را بگیریم. ما سال گذشته از یکی از وزنه‌بردارهای خوبمان که رکوردش نزدیک رکورد دنیاست، تست گرفتیم و مثبت شد. این در حالی بود که بازی‌های آسیایی هم در پیش بود. خیلی‌ها اصرار کردند ما این وزنه‌بردار را به این بازی‌ها ببریم اما در ستاد ملی مبارزه با دوپینگ مخالفت و از اعزام او جلوگیری شد. این وزنه‌بردار اگر به بازی‌های آسیایی می‌رفت قطعا مدال طلا می‌گرفت اما چه دلیلی داشت که برود و مسئولان بازی‌ها از او آزمایش نگیرند و نفهمند دوپینگ کرده است. اصل برای ما این است که ورزشکاران پاک بروند رقابت کنند. این موضوع برای سلامت خودشان هم خوب است و اساسا باید ورزشکاران بدانند جوانمردانه در مسابقات شرکت کنند.

در دنیا به ورزش به‌عنوان یک مقوله سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نگاه می‌کنند. چطور می‌شود که صدراعظم آلمان برای جام‌جهانی فوتبال ۲۰۱۴ یک بار قبل از دیدار نیمه‌نهایی و یک بار برای بازی فینال به برزیل می‌رود. این حرکت او معنی دارد. در همین قهرمانی کشتی جهان، نخست‌وزیر ترکیه به فرودگاه می‌رود یعنی اینکه این مقوله برای آنها و جامعه‌شان اهمیت دارد

چالش‌ها و مشکلاتی که معاونت قهرمانی و به‌طور کلان ورزش کشور دارد، از نظر شما چیست؟

به نظر من باید نوع نگاه و نگرشمان نسبت به ورزش عوض شود. ما نگاهمان غیرحرفه‌ای است اما توقع نتیجه حرفه‌ای داریم. چون نگاه حرفه‌ای نیست در تصمیم‌گیری‌هایمان اثر می‌گذارد. ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پنج برنامه توسعه داشتیم. ورزش در اولویت هیچ‌کدام از برنامه‌های توسعه نبوده است. جزء اولویت‌ها که نبوده هیچ، در خیلی از برنامه‌ها اسمی هم از آن نیامده است. توقع مردم ما و به‌تبع آن مسئولان از ورزش بالاست، ولی توجهمان نسبت به ورزش پایین است. در دنیا به ورزش به‌عنوان یک مقوله سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نگاه می‌کنند. همه‌جا همین‌طور هست. بخواهی یا نخواهی. چطور می‌شود که صدراعظم آلمان برای جام‌جهانی فوتبال ۲۰۱۴ یک بار قبل از دیدار نیمه‌نهایی و یک بار برای بازی فینال به برزیل می‌رود. این حرکت او معنی دارد. در همین قهرمانی کشتی جهان، نخست‌وزیر ترکیه به استقبال دو برنده مدال طلای این کشور به فرودگاه می‌رود یعنی اینکه این مقوله برای آنها و جامعه‌شان اهمیت دارد. اگر نگاه این‌طوری باشد در خیلی از تصمیم‌گیری‌ها مثل تخصیص منابع مالی، امکانات، نیروی انسانی، تجهیزات فناوری و... تأثیر می‌گذارد. اصلا ما در بحث‌هایمان چقدر درباره ورزش صحبت می‌کنیم. به غیر از رسانه‌ها که ورزش را دنبال می‌کنند که بعضی از آنها هم تک‌محصولی و تک‌رشته‌ای هستند و اهداف خاصی دارند، چقدر درباره ورزش حرف زده می‌شود.

می‌خواهم بگویم در ورزش باید خیلی نگاه جدی‌تری داشته باشیم. چون می‌خواهیم در دنیای حرفه‌ای‌ها رقابت کنیم. معنی ندارد آن را غیرحرفه‌ای بدانیم. پس باید همه اسباب آن فراهم شود. شما وقتی می‌خواهی بروی در مسابقه اتومبیل‌رانی شرکت کنی باید با یک ماشین مدل‌بالا بروی که تجهیز شده و همه‌چیز داشته باشد. به نظر من ما در یک‌سری رشته‌ها با شرایط نابرابر به میدان می‌رویم. مثلا در همین اتومبیل‌رانی اگر بخواهی با یک ماشین داخلی با ماشین‌های پیشرفته مسابقه بدهی، اصلا نمی‌توانی رقابت کنی. همین‌طوری چند متر عقب هستی، چه برسد به اینکه مسابقه هم شروع شود. حتی اگر راننده خوب هم داشته باشی.

به‌نظر می‌رسد منشأ این مشکل این است که نگاه به ورزش خیلی پایین است. در همین مجلس در مورد انتخاب وزیر ورزش برای دولت یازدهم کسی متوجه نشد نماینده‌ها دنبال چه هستند. اگر دنبال گزینه ورزشی بودند که خود شما یک چهره ورزشی بودید. اگر غیرورزشی می‌خواستند، گزینه اول و دوم بودند. تنها صدایی که ما از برخی نمایندگان مجلس در مورد ورزش کشور می‌شنویم این است که مثلا تیم تراکتورسازی در بازی لیگ ظاهرا گرفتار یک ناداوری معمولی می‌شود و چند نماینده می‌آیند و می‌گویند سر تراکتور را بریدند. واقعا به نظر شما چرا این‌طوری است؟

درباره مجلس محترم شورای اسلامی باید بروید از خودشان بپرسید ولی من یک موضوع کلی را می‌گویم؛ ما ورزش را تفریح و سرگرمی می‌دانیم. هنوز بعضی‌ها انجام ورزش را لهو و لعب می‌دانند. من اگر بگویم ورزش می‌کنم انگار کار خوبی نیست. البته یک مقدار نسبت به گذشته شرایط بهتر شده است. ما می‌گوییم براساس دانش و اطلاعاتی که داریم، باید نگرشمان شکل بگیرد. براساس این نگرش هم باید رفتارمان شکل بگیرد. در جامعه هم نسبت به ورزش دانش خیلی بالایی وجود ندارد. ورزش موضوعی است که باعث سلامت نسل و نشاط جامعه می‌شود. این باور را من دارم، اما کسی که می‌خواهد در مورد آن تصمیم بگیرد باید دانش آن را داشته باشد. حالا چرا ندارد؟ احتمالا ممکن است آگاهی‌اش زیاد نباشد. احتمالا آن نگرشی که ورزش را به‌عنوان تفریح می‌بیند عوض نشده و ما آن را جدی می‌بینیم که در تصمیم‌گیری‌هایمان تأثیر دارد. شاید یکی از دلایل این اتفاق این باشد که ما ورزش را در مدارس‌مان جدی نمی‌گیریم. من زمانی که مدیرکل تربیت‌بدنی وزارت آموزش‌وپرورش بودم خیلی تلاش کردم که ورزش در مدارس جدی گرفته شود؛ یعنی اینکه ما درس تربیت‌بدنی داشته باشیم نه ورزش. الان تا می‌گوییم ورزش ما مشکل دارد بعضی‌ها فوری می‌گویند ورزش مدارس ما خوب نیست. شاید این حرف درستی باشد، اما خیلی عمیق نیست. مگر وظیفه مدرسه این است که با یک‌ساعت‌ونیم زنگ ورزش، قهرمان تربیت کند. با کدام امکانات؟ با کدام زمان و با آن حیاط کوچک؟ شما در یک کلاس حداقل ۳۰ دانش‌آموز داری. در طول سال ۳۰ هفته هم داری. با این ۳۰ هفته چه می‌خواهی به آن دانش‌آموز در زنگ ورزش یاد بدهی.

باید در مدرسه فعالیت‌هایی که مربوط به حرکات جسمانی است، را ارائه داد و از فواید آن گفت؛ کاری که کشورهای دیگر می‌کنند. یعنی همان‌طور که من باید الفبای نوشتن را یاد بگیرم، الفبای حرکت‌کردن را هم باید یاد بگیرم. همان‌طور که ریاضیات را به من یاد می‌دهند موضوع ورزش را هم به من یاد بدهند. وقتی این‌طور شود دیدگاه و باور من هم عوض می‌شود؛ یعنی آن‌طور می‌شود که رئیس‌جمهور آرژانتین در جام‌جهانی فوتبال ۱۹۸۶ قبل از هر بازی به مارادونا تلفن می‌زد و در رختکن با او صحبت کرد. او که نمی‌گفت مارادونا برو کات بکش یا کرنر را فلان‌طور بزن. از لحاظ روحی و روانی با او و تیم صحبت می‌کرد. تلفن را روی آیفون می‌گذارند و بقیه بازیکنان گوش می‌کنند؛ یعنی برایش مهم است. می‌داند که این تیم در جامعه جایگاهی مهم و حساس دارد. البته از پیروزی همین تیم هم در جهت آرامش و نشاط جامعه استفاده می‌کنند. موضوع بعدی تندرستی است. ما می‌آییم این همه خرج می‌کنیم تا درمان کنیم. شاید با هزینه ۱۰ تخت بیمارستان بشود یک سالن ورزشی ساخت. من می‌گویم پیشگیری اینجاست؛ پیشگیری از اینکه مبتلا به بیماری‌ها و از کارافتادگی زودرس نشویم. پیشگیری از اینکه توانمان زیاد باشد و بتوانیم روزی هشت ساعت کار کنیم؛ اینکه سن‌مان از ۴۰ سال رد شد به عوارض جسمانی مبتلا نشویم. شما نگاه کنید برای یک طرح بهداشت و سلامت ۱۰ برابر بودجه وزارت ورزش هزینه می‌کنند. این خیلی خوب است ما مخالف نیستیم، اما ورزش در مقابل این طرح‌ها اصلا پولی ندارد. یک تیم پیروزی به دست می‌آورد جامعه یک هفته در آرامش آن می‌خوابد. نشاط را به خانواده‌ها می‌آورد. خوشبختانه مردم ما علاقه‌مند به ورزش هستند، اما ما با مردمی ورزشی فرق داریم. مردم ما باید ورزش کنند اما این ورزش‌کردن زیرساخت می‌خواهد. آموزش می‌خواهد. ما می‌گوییم ورزش همگانی کنیم. اما ورزش همگانی یعنی چه؟

البته معیشت مردم هم در این قضیه تأثیر دارد کسی که چندشغله و درگیر مخارج زندگی است، ورزش را از سبد زندگی‌اش کنار گذاشته.

بله، اینها نزدیک به‌هم است و در همه جامعه‌ها این‌طور است. بگذریم از یک‌سری کشورها که تعدادشان محدود بوده، اما بقیه این‌طور است. کوبا مثلا زمانی در المپیک خیلی خوب کار می‌کرد اما الان گم شده. مدتی سرمایه‌گذاری و پنج تا قهرمان درست می‌کردند اما الان کجای جدول المپیک است؟ بلغارستان، لهستان، آلمان شرقی و کوبا زمانی ۱۰، ۱۵ کشور اول در بازی‌های المپیک بودند ولی الان هیچ‌کدام نیستند، چون اینها هم الان به جایی رسیدند که انگار موضوع ورزش را به‌عنوان موضوع سلامت ببینند، بهتر است. به‌نظر من باید در برنامه ششم تکلیف این مسائل مشخص شود. امیدوارم حداقل تعدادی از این مواد تصویب شود و بستر را برای حرکت‌کردن به این سمت آماده کند. بالاخره این کار را خیلی از کشورها کردند.

به‌نظر می‌رسد یکی از چالش‌هایی که در ورزش قهرمانی وجود دارد، این است که ما در کشورمان بستر لازم برای اینکه بتوانیم ورزش حرفه‌ای را از ورزش قهرمانی جدا کنیم و از زیر نظر دولت بیرون بیاوریم ندارید، چه‌کار باید کرد روزی به این نقطه برسیم که ورزش حرفه‌ای را از زیر نظر دولت بیرون بیاوریم؟

ببینید، ما همیشه می‌گوییم تا به الان کدام بخش را توانستیم از زیر نظر دولت بیرون بیاوریم که در مورد ورزش این کار را کنیم. پس مسلم است نمی‌توانیم این کاری را که شما می‌گویید، انجام دهیم. من اصلا معتقد به این نیستم، ما ورزش حرفه‌ای داریم. ما می‌توانیم بگوییم ورزشمان در بعضی رشته‌ها نیمه‌حرفه‌ای است اما حرفه‌ای نیست. ما ادعا داریم حرفه‌ای‌ترین ورزشمان فوتبال است که بیشترین پول هم در آنجا ردوبدل می‌شود. این در حالی است که فوتبال ما هم حرفه‌ای اداره نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۱۸

بیلان

عملکرد دوساله

کسب ۵۷ مدال در بازی‌های آسیایی و ۱۲۰ مدال در بازی‌های پاراآسیایی اینچئون در سال ۲۰۱۴، ۶۶۲ مدال در سطح جهانی، هزارو ۳۰۰ مدال در سطح آسیا و هزارو ۲۰۰ مدال در سطح بین‌المللی از جمله دستاوردهای ۲۱ ماهه گذشته حوزه معاونت قهرمانی وزارت ورزش و جوانان در دولت تدبیر و امید بوده است.این معاونت با برگزاری سه‌هزار و ۵۷۷ مسابقه ورزشی در داخل ایران، ۶۶ مسابقه بین‌المللی، جهانی و آسیایی را نیز در این مدت میزبانی کرده است. همچنین با توجه به درپیش‌بودن بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو، تاکنون ۱۷ سهمیه در مسابقه‌های معتبر جهانی توسط ورزشکاران رشته‌های دوومیدانی، بوکس، تیراندازی، دوچرخه‌سواری، کشتی آزاد و فرنگی کسب شده است. معاونت قهرمانی همچنین موفق به برگزاری ۳۸ مجمع انتخاباتی فدراسیون‌ها در سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۴ شده است.۶۰۰ مورد بررسی و اظهارنظر درخصوص اعضای هیأت‌رئیسه فدراسیون‌ها، کاندیداها و استعلام از مراجع مربوطه، ۱۴۰ مورد نظارت و هماهنگی در انتخابات هیأت ورزشی استان‌های ایران از دیگر اقدامات این حوزه محسوب می‌شود. از طریق شورای برون‌مرزی که از مجموعه‌های این معاونت محسوب می‌شود، در طول ۵۴ جلسه هزارو ۵۰۰ مجوز برای ۳۲ هزار ورزشکار زن و مرد برای حضور در مسابقه‌های رسمی و تدارکاتی خارج از کشور صادر شده است. ۳۷۰ مورد پشتیبانی فدراسیون‌ها برای دریافت ارز دولتی، ۱۸۰ مورد شرکت در جلسات کمیته‌های انضباطی فدراسیون‌ها، صد مورد معرفی قهرمانان و پیش‌کسوتان به صندوق حمایت از قهرمانان، هزارو ۷۰۰ مورد بررسی احکام قهرمانی و مربیگری و داوری فدراسیون‌ها، برگزاری اولین نشست هم‌اندیشی بازاریابی ورزشی با حضور رؤسای فدراسیون‌ها، تجلیل و اهدای جوایز به قهرمانان و مدال‌آوران سال‌های ۹۱، ۹۲ و ۹۳ از جمله دیگر اقدامات این معاونت است. در راستای توسعه پایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و محرومیت‌زدایی از مراکز ورزش قهرمانی و حرفه‌ای در استان‌های مختلف که به صورت نیمه‌تعطیل درآمده بودند، اقدامات لازم جهت تجهیز مدرن این مراکز در تمامی استان‌ها ابلاغ شده و درحال‌حاضر ۳۱ استان دارای مراکز ورزش قهرمانی هستند.

ستاد ملی مبارزه با دوپینگ (ایران نادو) در جهت سیاست‌های وزارت ورزش و جوانان به ریاست نصرالله سجادی از ابتدای سال ۹۴ تعداد ۶۴۶ تست کنترل دوپینگ از ورزشکاران رشته‌های المپیکی اخذ کرده که نسبت به زمان مشابه سال قبل رشد ۳۰ درصدی داشته است. همچنین در امر پیشگیری و آموزش، به برگزاری دوره‌های آموزشی مبارزه با دوپینگ و تشکیل ۳۰ دوره آموزشی برای مربیان و ورزشکاران اعزامی به مسابقه‌های کسب سهمیه المپیک در اردوهای تیم ملی اقدام کرده است. معاونت ورزش حرفه‌ای و قهرمانی وزارت ورزش و جوانان توانسته در این مدت سه میلیون ورزشکار زن و مرد دارای شناسنامه را ساماندهی کند.

یادداشت

موفقیت، حداقل انتظار جامعه ورزش از سجادی



سعید علی‌آبادی
دکترای مدیریت ورزشی و مدرس دانشگاه

سیدنصرالله سجادی، مرد تکرارناپذیر مدیریت ورزش کشور، انتخاب شایسته دکتر صالحی‌امیری برای تصدی سمت حساس معاونت توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای بود که بعد از عدم احصای رأی اعتماد به صالحی‌امیری، بی‌درنگ به‌عنوان اولین گزینه ورزشی دولت تدبیر و امید به مجلس معرفی شد؛ کسی که با ۳۵ سال سابقه علمی و اجرائی در ورزش، عمود خیمه مدیریت ورزش ایران است، اما در روز رأی‌گیری، مجلس‌نشینان اعتراض به عملکرد وزارت علوم را با رأی‌ندادن به وزیر سوم ورزش، به گوش اعتدالیون رساندند تا ورزش ایران مجبور به پذیرش گزینه چهارم شود. اما سجادی همچنان در معاونت ورزش قهرمانی ماند و بی‌هیچ حب‌وبغض، برای اعتلای ورزش در دولت اعتدال و امید با تمام وجود با دکتر محمود گودرزی همکاری کرد.

همگان اذعان دارند در سال پایانی دولت دهم و ابتدای فعالیت دولت فعلی، کمترین بودجه به فدراسیون‌ها تزریق شده تا جایی‌که فدراسیون‌ها دچار بحران شدید مالی بوده و حتی اهدای جوایز مدال‌آوران هم دو سال به تعویق افتاده بود. در این زمان دکتر سجادی با برنامه‌ریزی دقیق باعث شد در بازی‌های آسیایی اینچئون، کاروان ایران کارنامه قابل دفاعی داشته باشد. پس از آن هم درباره برگزاری مجامع فدراسیون‌های ورزشی که گاهی تا دو سال با سرپرست اداره می‌شدند و اجرای نص صریح قانون، سجادی به‌خوبی عمل کرد. البته در برخی موارد مثل انتخابات فدراسیون تیراندازی، تقیه پیشی گرفت و با حضورنیافتن در مجمع فدراسیون، اعتراض ملایم خود را اعلام کرد. اصلا جنس کار دکتر سجادی با جدیت، نظم و برنامه‌ریزی توأم است و همه ورزشی‌ها اذعان دارند تجربیات ۳۵ ساله دکترسیدنصرالله سجادی در ورزش کشور بسیار ارزشمند است. هر رئیس فدراسیونی هم می‌داند دکتر سجادی کسی نیست که به‌راحتی قانع شود و هرگونه توجیه درباره عملکردشان به‌اصطلاح، مصداق ضرب‌المثل «پیش قاضی و ملق‌بازی» است. اینجا جایی است که مو از ماست کشیده می‌شود پس باید با برنامه، آمار صحیح و عملکرد دقیق صحبت کرد، به‌همین‌دلیل اگر هم تاکنون وزارت ورزش‌وجوانان در یک حوزه توفیقی داشته، آن هم حوزه ورزش قهرمانی است. بنابراین اگر دکتر سجادی در سازماندهی و ساماندهی ورزش قهرمانی به توفیقاتی رسیده است، کار مهمی انجام نداده، ایران برای تجربیات گران‌سنگ وی هزینه کرده است، این کف انتظار جامعه از اوست و نباید انتظار تشویق داشته باشد. او موفق بوده و درادامه هم باید موفق باشد؛ بنابراین روی دیگر سکه، همین انتظاراتی است که جامعه ورزش از وی دارد. نصرالله سجادی در مدیریت ورزش کشور به اجتهاد علمی و عملی رسیده است و جامعه ورزش کشور کوچک‌ترین اشتباه از ایشان را قبول نمی‌کند. امروز سجادی در پخته‌ترین و کامل‌ترین وضعیت به‌سر می‌برد و باید بیشتر از قبل مواظب عملکرد و آبروی خود باشد، اگر سایر معاونان وزارت ورزش اشتباه داشته باشند، اما دکتر سجادی فرصت و اجازه اشتباه‌کردن ندارد. او محکوم به موفقیت است و چشم‌های بیدار، گوش‌های شنوا و وجدان آگاه جامعه ورزش کشور، ریزبینانه و موشکافانه عملکرد وی را تجزیه و تحلیل می‌کند و چه‌بسا ایشان را در تصمیمات غیرفنی و خروجی‌های غیرکارشناسی سایر حوزه‌های وزارت ورزش هم سهیم می‌دانند هر چند عادلانه نیست. البته سجادی هم در این دو سال اشتباهاتی داشته که شاید ادله محکم برای آن داشته باشد مثلا:

۱- چرا با وجود گذشت قریب یک‌سال از زمان انتخابات فدراسیون پزشکی- ورزشی، مجمع این فدراسیون برگزار نمی‌شود؟

۲- چرا سرپرست‌هایی که برای برخی فدراسیون‌ها انتخاب می‌کند، در پروسه انتخاب کاندیدای خاصی نقش‌آفرینی می‌کنند و بی‌طرف نیستند؟

۳- چرا با فدراسیون‌هایی مثل جودو که در اینچئون عملکرد ضعیفی داشتند، برخورد جدی‌ای نشده است؟

۴- چرا فدراسیون اسکی این‌گونه شد و چرا به انتظارات جامعه اسکی کشور پاسخ صریح داده نمی‌شود؟

۵- چرا اجازه داده‌اند رشته جوجیتسو که به‌تازگی به فهرست رشته‌های مسابقات آسیایی افزوده شده و ایران پتانسیل کسب طلاهای زیادی از آن دارد و قطعا ورزش قهرمانی است را به معاونت ورزش همگانی سپرده شود، مگر می‌شود در یک کاروان ورزش قهرمانی، بخشی زیر نظر معاونت دیگری باشد؟!!

۶- آیا انتخاب افراد جدید هیأت‌مدیره استقلال و پرسپولیس نظر شخص ایشان بوده و آیا این نفرات قوی‌ترین افرادی هستند که سجادی می‌تواند انتخاب کند؟

۷- چرا زمانی که وزارت ورزش به‌اشتباه ۱۱ فدراسیون را از معاونت ورزش قهرمانی جدا کرد و به معاونت ورزش همگانی سپرد، وی سکوت کرد؟ آیا سجادی با این تصمیم غیرکارشناسی موافق بوده است؟

۸- چرا اجازه می‌دهد وزیر ورزش در موارد کوچک مثل داوری فوتبال، کی‌روش و... اظهارنظر کند؟

۹- چرا در انتخاب مدیران کل استانی به وزارت ورزش، گزینه‌های کاربلد را معرفی نمی‌کند؟

آنچه گفته شد، فقط به این دلیل است که المپیک ریو در پیش روی است. امسال سال مهم و سرنوشت‌سازی برای رشته‌های المپیکی ورزش ایران محسوب می‌شود بنابراین ورزش قهرمانی باید به‌دور از حاشیه فقط به کسب سهمیه فکر کند البته می‌دانیم سجادی المپیک را خوب می‌شناسد. او مرد المپیک‌های ایران بوده و برای موفقیتش دعا می‌کنیم.